

به ارجمندی که خوارشد و دارایی که ندارد شد و دانایی که میان نادان ها تباه شد، رحم کنید. حضرت پیامبر خدا درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد

در جنگ طّی مسلمانان "سَفَانَةَ" دختر حاتم طایبی که در بخشش به او مثال زده می شود را اسیر کردند. وقتی که همراه اسیران نزد حضرت پیامبر (ص) رفت، به ایشان گفت: قطعاً پدرم بزرگ قومش بود، اسیر را آزادی کرد، حقّ همسایه را نگه می داشت، از خانواده و آبرو حمایت (پشتیبانی) می کرد، اندوه فرد غمگین را می زدود، به فرد بینوا (درمانده) غذا می داد، صلح و آشتی را می پراکند (پخش می کرد)، درسختی های روزگار به فرد ضعیف کمک می کرد و هیچ کس نزد او باخواسته ای نیامد که او را ناامید برگردانده باشد (برگرداند)؛ من دختر حاتم طایبی هستم.

حضرت پیامبر (ص) فرمودند: «این ها به راستی (واقعاً) ویژگی های افراد باایمان است؛ او را رها کنید، چراکه پدرش بزرگواری های اخلاق را دوست می داشت و خدا بزرگواری های اخلاق را دوست می دارد.» سپس فرمود: «به سه گروه رحم کنید: فرد ارجمندی (عزیز) که خوارشد، بی نیازی که نیازمند شد و دانایی که میان افراد نادان تباه شد.»

هنگامی که حضرت پیامبر (ص) او را آزاد کردند، به سوی برادرش "عدی" که پس از مرگ پدرش رئیس قومش بود، برگشت و به او گفت: ای برادرم، من از این مرد ویژگی هایی را دیدم که مرا به شگفت می آورد (شگفت زده می کرد)، او را دیدم که نیازمند را دوست می داشت، اسیر را آزاد می کرد، به فرد کوچک مهربانی می کرد و ارزش فرد بزرگ را می دانست؛ بخشنده تر و با سخاوت تر (کریم تر) از او ندیدم. پس عدی نزد حضرت پیامبر (ص) آمد و اسلام آورد (مسلمان شد) و سَفَانَةَ (هم) مسلمان شد.

بعد از این که حضرت پیامبر (ص) دستور آزادسازی اسیرانشان را دادند، تمام قبیله ی طّی مسلمان شدند.

دفتر پنجم از منثوی معنوی "مولانا جلال الدین":

..مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَافْتَقِرْ: ..کسی که بی نیاز بود و نیازمند شد.

وَالَّذِي كَانَ...: و کسی که ارجمند بود، پس خوار شد یا برگزیده ی دانشمندی که بین قبیله ی مُضَر بود.

ص. ۸۵: نکات واژه نامه

- أَجُودٌ: بخشنده تر، بخشنده ترین = أَكْرَمٌ ≠ أَبْخَلٌ

- أَحْتَقِرُ: خوارشد، حقیر شد، دلیل شد = ذَلَّ

- أَسْرَى: اسیر کرد ≠ أَطْلَقَ، حروف اصلی ع س ر، أَسْرَى: اسیر شد

- أَسْرَى: اسیران، مفرد: أَسِيرٌ، جمع دیگرش: أَسْرَاءُ

*توجه: با أَسْرَى (به معنی "شبانه حرکت داد") اشتباه نشود. از جمله متوجه می شویم.

- أَسْلَمَ: مسلمان شد، اسلام آورد، حروف اصلی: س ل م، باب افعال: أَسْلَمَ يُسْلِمُ أَسْلِمًا

سَلَّمَ: سالم ماند أَسْلَمَ: مسلمان شد سَلَّمَ: تسلیم کرد سَلَّمَ عَلَيَّ: سلام کرد

- أَطْلَقَ: رها کرد، آزاد کرد ≠ أَسْرَى، حروف اصلی: ط ل ق، باب افعال: أَطْلَقَ يُطْلِقُ أَطْلَقًا

- **إِفْتَقَرَ**: فقیر شد، نیازمند شد = **إِحْتِاجَ** (محتاج شد) ≠ **أَغْنَى** (فعل)، حروف اصلی: ف ق ر ، باب افتعال: **إِفْتَقَرَ يَفْتَقِرُ إِفْتِقَار**
- **خَانِب**: ناامید = **يَانِس** ≠ **رَاجِي** (امیدوار)
- **خَصْلَة**: ویژگی = **صِفَة**، جمع: **خِصَال** = صفات
- **ذَلَّ**: خوار شد = **أَحْتَقَرَ** ≠ **عَزَّ**
- **رَدَّ**: برگردانید، برگرداند، ربطی به رد کردن در زبان فارسی ندارد.
- **شَدَانِد**: سختی ها، گرفتاری ها = **مَصَانِب**؛ مفرد: **شَدِيدَة** *جمع **شَدِيدَة**: شَدَانِد؛ جمع **شَدِيد**: **أَشِدَاء**
- **صَفِي**: برگزیده = **مُصْطَفَى** ، جمع **صَفِي**: **أَصْفِيَاء**
- **ضَاع**: تباه شد، گم شد ≠ **وُجِدَ**
- **فُكَّ**: باز کرد، رها کرد؛ اگر جایی به معنی "باز کرد" باشد مترادف "فَتَحَ" است و اگر جایی به معنی "رها کرد" باشد مترادف "أَطْلَقَ".
- **مَكْرَمَة**: بزرگواری، جمع: **مَكَارِم**، مصدر است = **كَرَم**، **جُود** ≠ **بُخْل** ***تَوَجَّه**: اسم مکان نیست، چون بر مکان دلالت ندارد.
- **مَكْرُوب**: اندوهگین، ناراحت = **حَزِين**، **مَحْزُون** ≠ **مَسْرُور** / **البته ناراحتی مَكْرُوب** بسیار است.
- **يُعِين**: کمک می کند، حروف اصلی: ع و ن، باب إفعال: **أَعَانَ يُعِينُ أَعَانَة** **أَعَانَ** = **سَاعَدَ** ، **نَصَرَ**

ص. ۸۵: درك مطلب

مطابق با متن درس جمله ی درست و نادرست را مشخص کن:

۱. **عَدَى** گفت: ای خواهرم، قطعاً من از این مرد ویژگی هایی را دیدم که مرا به شگفت می آورد. **نادرست**
۲. زمانی که حضرت پیامبر(ص) **سَفَّانَه** را آزاد کردند، به سوی برادرش برگشت. **صحیح**
۳. حاتم کسی را که برای نیازی سوی او می آمد، ناامید برمی گرداند. **نادرست**
۴. حاتم طائی به بخشش شهرت داشت. **صحیح**
۵. **سَفَّانَه** در جنگ **أُحُد** اسیر شد. **نادرست**

ص. ۸۴: التمرین الأول

برای توضیحات زیر در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات واژه نامه ی درس قرار بده:

۱. کسی که برای موفقیت در هدفش هیچ امیدی ندارد. **خَانِب (ناامید)**
۲. نیازمند شد و هیچ ثروتی نداشت. **إِفْتَقَرَ (فقیر شد)**
۳. کسی که ناراحتیش زیاد است. **مَكْرُوب (اندوهگین)**
۴. خانواده و نزدیکان. **أَهْل (خانواده)**
۵. به او غذا داد. **أَطْعَمَهُ (به او غذا داد)**

ص. ۷۷: نکات متن درس

- اِرْحَمُوا: فعل امر و فاعل آن واو، عزیزاً: مفعول، ذَلَّ: فعل و صفت برای عزیزاً، اِفْتَقَرَ و ضاع هم جمله وصفیه برای کلمات قبلشان (غنياً و عالماً)

ص. ۷۸:

- سطر ۱: يُضْرَبُ: فعل مجهول و نائب فاعل آن المَثَلُ، لَمَّا: قید زمان (زیرا پیش از فعل ماضی آمده)

- سطر ۱۰: تُعْجِبُنِي: جمله وصفیه برای خِصَالاً (می بینیم که چند کلمه بین آن دو فاصله ایجاد کرده و از این جهت مهم است).

والسلام

حقیقی